



10.30497/sj.2023.244296.1238

Bi-quarterly Scientific Journal of "Research Letter of Social Jurisprudence",  
Vol. 11, No. 2 (Serial 22), Spring and Summer 2023

Research Paper

## A New Look at the Jurisprudential Nature of Cryptocurrencies and their Trading

Seyyed Yusof Alavi Vosoughi\*  
Hadi Gholami\*\*

Received: 25/12/2022

Accepted: 04/03/2023

### Abstract

Since earliest times, money has been a medium of exchange, a measure of the value, and store of value. The newest developments in the field have made us face a new type of money known as cryptocurrencies which, contrary to the traditional forms, are not controlled by states. This has given rise to questions on their legitimacy. This article provides both a jurisprudential and conventional understanding of the issue with some explanations about their functions and benefits and harms. First, we have sought the possibility of attributing finance to this new type of money and after approving it, its transactional structures are presented. According to jurisprudential definitions, one can adjust acts such as *bai'* (contract of sale), *solh* (amicable arrangement), and undetermined contract to transactions that use cryptocurrencies. We have concluded that, contrary to current oppositions, we can confirm the validity of transactions based on cryptocurrencies.

### Keywords

Money, Finance, Cryptocurrencies, Bitcoins, Blockchain.

---

\* Assistant Professor, faculty member, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, University of Qom, Qom, Iran. syvosoughi@gmail.com

\*\* PhD Student of Jurisprudence and Legal Foundations, Department of Jurisprudence and Legal Foundations, Qom University, Qom, Iran (Corresponding Author). hadigholami171@yahoo.com

## نگاهی نو به ماهیت فقهی رمزارزها و معاملات آن

سید یوسف علوی و ثوقی\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴

هادی غلامی\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

پول به‌عنوان شاخصی برای واسطه‌گری مبادلات و معیاری برای سنجش ارزش کالا و وسیله‌ای برای ذخیره ارزش، از روزگار قدیم مورد توجه بشر بوده است. در بررسی تاریخ تحول پول، با نوعی از پول مواجه می‌شویم با عنوان رمزارز. برخلاف دیگر پول‌ها، صدور رمزارزها در اختیار حکومتی خاص نیست و دست دولت‌ها را از دخالت در مسائل مالی کوتاه می‌کند. از این‌رو تلاش ویژه‌ای را در بررسی مشروعیت استفاده از آن‌ها می‌طلبید. در این مقاله، ضمن تبیین ماهیت فقهی و فهم عرفی از رمزارزها و تحلیل چگونگی کارکرد و بیان مزایا و معایب آن، ابتدا امکان تحقق عناوینی مانند مال بودن بر رمزارزها مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفت. سپس با اثبات مالیت داشتن رمزارزها و همچنین، تبیین ماهیت آن‌ها، قالب‌های معاملاتی آن تبیین شده است. در تحلیل ماهیت فقهی معاملاتی که با رمزارزها صورت می‌گیرد، می‌توان به این نتیجه رسید که عناوینی مانند بیع، صلح و حتی عقد غیرمعین نیز قابل انطباق بر این نوع معاملات است. نگارندگان این تحقیق بر آن هستند که برخلاف نظر مشهور، می‌توان قول به صحت معاملات مبتنی بر رمزارزها را ممکن دانست.

### واژگان کلیدی

پول؛ مالیت؛ رمزارز؛ بیت‌کوین؛ بلاک‌چین.

\*استادیار و عضو هیئت علمی، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. syvosoughi@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

hadigholami171@yahoo.com

#### مقدمه

یکی از اشکال عجیب پول که حدود یک دهه محقق شد و در همین دوران اندک با تغییرات و شیوه‌نامه‌های متعددی منتشر شد، رمزارز یا کریپتوکارنسی<sup>۱</sup> است. بستری را که پول رمزنگاری شده مورد مشاهده و تبادل قرار می‌گیرد، بلاک‌چین می‌گویند. بلاک‌چین شبکه غیرمتمرکز برای تبادل مالی رمزارزهاست. اعتبار رمزارزها به هیچ دولت یا حاکمیتی وابسته نیست، بلکه این خود مردم یا کاربرها هستند که به این پول اعتبار و ارزش می‌دهند. بدیهی است که در معیارهای فقهی، نخستین شرط برای ورود به معامله و خرید و فروش، واجدیت وصف مالیت در ثمن و مضمن است. وجود این عنوان تقریباً به عرف واگذار شده است. بنابراین، درباره رمزارزها باید کاملاً بر دیدگاه و فهم عرفی، ابتدا تحقق عناوینی مانند مال بودن را مورد واکاوی و تحلیل قرار دهیم. سپس با بررسی ماهیت فقهی و عرفی رمزارزها به ماهیت معاملاتی که با رمزارزها صورت می‌گیرند، بپردازیم.

#### ۱. پیشینه پژوهش

اساس رمزارزها تنها با قدمت کمی بیش از ۱۰ سال، مبتنی بر مقاله‌ای فردی به نام ساتوشی ناکوموتو در سال ۲۰۰۸ است. از آن پس و در زمان اندکی، رمزارزها در میان افراد خاصی که تا اندازه‌ای در عرصه وب و دیجیتال اطلاعاتی داشتند، مورد اقبال قرار گرفت و به سرعت رشد و تکامل یافت.

ما اکنون از پدیده‌ای سخن می‌گوییم که از قدمت چندانی برخوردار نیست و انتظار تحقیقات مفصل در این باره، آن هم با رویکردی فقهی را نداریم.

عمده مقالات و تحقیقاتی که درباره رمزارزها در مجامع علمی و دانشگاهی منتشر شده، بیشتر با رویکرد اقتصادی بوده است. نگاه فقهی به این مسئله، غالباً در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و در برخی موارد، استفتائاتی است که در تارنماهای مختلف منتشر شده است؛ البته چند مورد تحقیق و مقاله با رویکرد فقهی در این باره وجود دارد که از آن جمله می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «بیت‌کوین و ماهیت مالی - فقهی پول مجازی»<sup>۲</sup> اشاره کرد.

## ۲. ماهیت فقهی رمزارزها

با عبور از تاریخچه پول و تحولات واسطه مبادله در طول زمان، در سال‌های اخیر تغییری بنیادین در حال شکل‌گیری است و پولی دارد به وجود می‌آید که پشتوانه خاصی ندارد و اعتبارکننده این پول، مسئولیتی در قبال اعتبارش ندارد. این پول‌های بدون پشتوانه از گروه پول‌های مجازی است و آن را رمزارز می‌نامند. این پول‌ها که نخستین و مهم‌ترین آن بیت‌کوین است، رمزارزش اینترنتی و الکترونیکی است که در اختیار کاربر گذاشته می‌شود یا در مبادله‌ای یا با دادن پول دیگری آن را به دست می‌آورند. ضروری است که بر اساس شاخص‌ها و معیارهای فقهی، حقیقت و جایگاه رمزارزها در میان دیگر پول‌ها یا کالاها بررسی شود.

### ۲-۱. جایگاه رمزارزها در برابر پول‌های رسمی

پول‌های سنتی یا ارزش ذاتی دارند یا ارزش اعتباری و ارزش اعتباری‌شان نیز به ارزش اعتباردهنده و میزان حمایت و پشتیبانی آن‌ها از این پول است، اما درباره رمزارزها چند نکته مهم وجود دارد و آن اینکه، انتشاردهنده و اعتباردهنده به این پول چه کسی است و چه حمایت‌هایی ممکن است که از آن داشته باشد؟ برای مثال، «در سال ۱۹۹۶، ارزش بیت‌کوین از حدود هر واحد ۱۰۰۰ دلار، به ۱۹۰۰۰ دلار رسید و از آن نیز فراتر رفت»<sup>۳</sup> و هر روز رکوردشکنی کرد که بیان‌کننده این است که پشت آن یک کنترل‌کننده که بتواند از این پول حمایت کند، یا وجود ندارد یا اگر موجود است، قدرت کنترل آن را ندارد؛ زیرا اساساً پول یک معیار و شاخص است و همان‌طور که با متر، کالاهای متری اندازه‌گیری می‌شود، با پول، ارزش سرمایه ارزیابی می‌شود. اگر قرار باشد ارزش پول در طول یک سال، ۱۹۰۰ درصد افزایش یابد یا ۱۹ برابر شود، نشان می‌دهد این نمی‌تواند معیار و شاخصی برای سرمایه باشد و به‌عنوان پول و مقیاس ارزش‌گذاری مورد توجه و استفاده قرار گیرد. پول باید ثبات داشته باشد ولو ثبات نسبی، تا بتوان دارایی‌ها، خدمات و سرمایه‌های دیگر را بر اساس آن ارزش‌گذاری کرد.

تنها چیزی که در مقام دفاع از این نوع پول می‌توان گفت، مقبولیت و پذیرش عرف است. صرف‌نظر از مجهول بودن مخترعان یا ناشران رمزارزها، قدر مسلم این است که کاربران در دنیای تجارت به این پول، نظر مثبت و اقبال نشان داده‌اند و از آنجاکه در فقه

معاملات، نظر عرف و عقلا بسیار مؤثر و تعیین‌کننده است، می‌توان از این حیث دریچه‌ای برای پذیرش و نهادینه کردن رمزارزها در کنار دیگر پول‌ها یا کالاها گشود. از این رو باید ابتدا به مسئله مالیت داشتن رمزارزها پرداخت.

## ۲-۲. بررسی مالیت داشتن رمزارزها

از آنجاکه یکی از شرایط لازم برای صحت معامله، مالیت داشتن مورد معامله است و برای مالیت داشتن شرایط خاصی در فقه و حقوق مدنی مطرح است، باید بودن یا نبودن این شرایط در رمزارزها بررسی شود.

### ۲-۲-۱. شبهه در مالیت داشتن رمزارزها

وقتی بخواهیم یک دارایی را معامله کنیم، آن دارایی یا باید دارای ارزش ذاتی باشد که به خاطر آن مالیت یابد و قابل معامله باشد یا اینکه دارای ارزش اعتباری باشد و بر اساس جایگاه اعتباردهنده بتوان گفت این دارایی تا چه میزان اعتبار و ارزش دارد و بر همین اساس بتوان آن را معامله کرد. رمزارزی مثل بیت‌کوین بر اساس اطلاعات موجود از آن، از لحاظ مالیت مورد تردید واقع شده؛ زیرا هیچ شناختی از اعتباردهنده‌اش وجود ندارد تا بدانیم که این اعتباردهنده کیست و چه وظایف و تعهداتی را در قبال آن بر عهده گرفته است.

رمزارزها پولی مبهم هستند؛ زیرا اساس وجود و چگونگی مالیت آن مبهم است. در نتیجه، از لحاظ مبانی فقهی و حقوقی، معامله با آن، معامله غرری است؛ زیرا اصل وجود و مالیت داشتن آن و نیز اندازه اعتبار آن و اینکه پشت این پول، اعتباردهنده‌ای مسئول و متعهد وجود داشته باشد، مشکوک است.

«رئیس بانک مرکزی فرانسه به فرانسوی‌ها هشدار داد که بیت‌کوین حتی یک پول مجازی هم نیست، بلکه تنها یک پول توهمی است و از آن‌ها خواست در آن سرمایه‌گذاری نکنند؛ زیرا ممکن است در هر لحظه این پول توهمی از بین برود»<sup>۴</sup>.  
بر این اساس و با توجه به اطلاعات موجود، احتمالات مختلفی درباره این پول وجود دارد که ماهیت آن را از لحاظ اصل وجود و مالیت داشتن و میزان ارزش وارد منطقه غرر می‌کند.

بنا به دیدگاه این افراد، نمی‌توان بیت‌کوین را به‌طور رسمی پول تمام‌عیار و ارز دیجیتال قلمداد کرد؛ زیرا به‌رغم داشتن برخی از خصوصیات پول، همچنان فاقد کارکردها و ویژگی‌های اصلی پول اعتباری است و تنها با تسامح می‌توان آن را پول نامید.

### ۲-۲-۲. مالیت داشتن رمزارزها با معیارهای فقهی

مالیت از منظر مشهور فقها با دو شرط محقق می‌شود. شرط نخست این است که شیء قابلیت انتفاع داشته و نزد عقلا دارای منفعت پذیرفتنی باشد. دوم اینکه، شارع آن منفعت را ممنوع نکرده باشد. در کلام برخی از فقیهان به شرط دیگری اشاره شده و آن این است که «آن شیء از ندرت نسبی برخوردار باشد؛ یعنی شیء به‌راحتی قابل دسترسی نباشد و برای به دست آوردن آن نیاز به کارهایی باشد که عقلا برای به دست آوردن آن شیء از یکدیگر پیشی بگیرند و با هم دیگر رقابت کنند» (سلطانی و اخوان هزاوه، ۱۳۹۱، ص. ۱۷).

بهتر است در تعریف مال گفته شود، مال چیزی است که نزد مردم مطلوب است و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نیازهای آنان را برطرف می‌سازد. برخلاف اموالی مانند پوشاک و اغذیه، برخی دیگر از اموال، مستقیماً رفع نیاز نمی‌کنند، اما وسیله‌ای برای رفع دیگر نیازها هستند مانند پول که به‌خودی‌خود رافع نیازی نیست، اما با اموال دیگر مبادله می‌شود و به‌واسطه آن‌ها رفع نیاز می‌کند و ارزش اعتباری دارد (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص. ۲۱۳).

بنا به گزارش‌های منتشره در عرصه تجارت الکترونیک، به نظر می‌رسد بیت‌کوین به شکل منفعت و خدمات در جامعه جهانی در جریانات مالی و پولی قرار گرفته و به وسیله مالی انکارناپذیری تبدیل شده است. بیت‌کوین برای تولید و استفاده‌کنندگان آن، نوعی سرمایه فکری دارای مالیت و ارزش اقتصادی است؛ هرچند مورد شناخت و تأیید عده‌ای از کارشناسان عرصه اقتصادی یا حتی برخی کشورها قرار نگیرد.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مال آن چیزی است که دارای ارزش اقتصادی باشد و لزوماً شیء مادی نیست، بلکه حقوقی هم که دارای ارزش مادی باشند، مال شمرده می‌شوند. از این رو می‌توان آن را حقی دانست که قابلیت تقویم و ارزش‌گذاری را دارد؛

به گونه‌ای که به دارنده‌اش اجازه می‌دهد که از آن هرگونه که می‌خواهد، استفاده کند. با توجه به ابداع الگوریتم ریاضی که در شبکه بلاک‌چین برای انتقال وجوه در فرایند همتابه‌همتا وجود دارد، می‌توان بیت‌کوین را نوعی سرمایه فکری دانست که ارزش اقتصادی و مالیت آن پذیرفته شده است.

شاید گفته شود «بیت‌کوین» مال نیست به این دلیل که تنها چند عدد رمزی در فضای اینترنت است و مشخص نیست چقدر اعتبار دارد و می‌توان سازوکار پولی دیگری ابداع و جایگزین کرد. از این رو رمزارز، مال توهمی است و اساساً مال نیست. در این صورت معاملات با آن از نظر شرعی نیز جایز نیست.

بنابراین، اگر به لحاظ موضوع‌شناسی، «بیت‌کوین» مال نباشد، آنگاه معاملات انجام‌شده با آن نیز از نظر شرعی زیر سؤال می‌رود و معاملات آن باطل خواهد بود؛ زیرا آنچه شرعاً می‌تواند مبادله شود، مال است و وقتی مالی در میان نباشد و بگوییم «بیت‌کوین» فاقد عنصر مالیت است، نمی‌توان آن را خرید و فروش کرد، «اما ممکن است گفته شود تعیین موضوعات به دست عرف عقلا است نه شرع. بنابراین، «بیت‌کوین» مال است و مال بودن آن را عرف تعیین می‌کند و در عرف با «بیت‌کوین» به‌عنوان مال معامله می‌شود» (عبدی‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۵۳).

«از فقهای معاصر شیعه، آیت‌الله شبیری زنجانی از مراجع تقلید شیعیان با پذیرش مالیت و ارزش اقتصادی این واسطه جدید مالی، استفاده از بیت‌کوین را به مفسده اقتصادی نداشتن و خلاف قانون نبودن مشروط کرده است». این نظر فقهی مبتنی بر قبول مالیت داشتن رمزارزهاست.

با این توضیحات می‌توان گفت که رمزارزی مثل بیت‌کوین مبتنی بر زنجیره رمزنگاری‌شده بر اساس فرمول و قوانین ریاضی است که ایجاد این زنجیره برای دارنده آن، حق انحصاری مالی ایجاد می‌کند. این فرد می‌تواند این حق مالی را به دیگران نیز انتقال دهد. در واقع، کسی که رمزارزی را ایجاد می‌کند، نوعی ابداع و نوآوری فکری ایجاد می‌کند که به‌عنوان پول رمزنگاری‌شده، قابلیت نقل و انتقال دارد. بر اساس این تحلیل می‌توان «بیت‌کوین را به‌عنوان دارایی فکری دانست که دارای مالیت و ارزش است و به‌خاطر محدود بودن عرضه و همچنین، افزایش مداوم تقاضای آن، با افزایش قیمت نیز همراه است» (نوری و نواب‌پور، ۱۳۹۶، ص. ۷۸)

بنابراین، بر اساس این معیار فقهی که مالیت داشتن شیء، مبتنی بر این است که آن شیء دارای رغبت باشد؛ به گونه‌ای که عقلاً حاضرند در قبال آن عوضی بپردازند و نیز از ندرت نسبی برخوردار باشد، می‌توان وضعیت کنونی رمزارزها را واجد شرایط مالیت دانست.

### ۲-۳. پشتوانه مالیت رمزارزها

برخلاف ارزشهای سنتی که نرخ آنها با بازار تعیین می‌شود، معیارهایی برای ارزش‌گذاری بیت‌کوین وجود دارد که آن را پذیرفتنی می‌کند؛ زیرا بیت‌کوین با دستگاه‌هایی استخراج می‌شود که تهیه آنها نیازمند سرمایه و انرژی است. از این رو هرچه روند استخراج بیت‌کوین گران‌تر باشد، احتمال بالاتر رفتن ارزش آن نیز بیشتر خواهد بود.

ضعف دیگر ارزشهای سنتی این است که دولت‌ها می‌توانند ذخیره ارزشهای خود را به اندازه دلخواه افزایش دهند که این منجر به کاهش ارزش می‌شود، اما چنین پیامدی برای بیت‌کوین غیرممکن است؛ زیرا اندازه انتشار بیت‌کوین کاملاً تعیین شده و میزان بیت‌کوین‌هایی که وارد بازار می‌شوند، رو به کاهش است.

در ارزش‌گذاری پول‌های رمزنگاری شده مانند بیت‌کوین، میزان استفاده کاربران، امکان خریداری کالاها و خدمات با آن و میزان مشارکت عمومی در استفاده از آن، تعیین‌کننده است. همچنین، پاسخ به پرسش‌هایی مانند «آیا مردم از آن برای خرید کالا یا خدمات بهره می‌گیرند؟» و «آیا جامعه کاربران آن به اندازه کافی بزرگ و قانونمند است؟»، نشان‌دهنده ارزش هر ارز است و درباره بیت‌کوین برای بیش از یک دهه، پاسخ این پرسش‌ها همواره مثبت بوده است.

با توجه به استقبال مردم می‌توان بیت‌کوین را ارز رمزنگاری شده دانست و آن را سرمایه دیجیتال در نظر گرفت. ساختار مبتکرانه بیت‌کوین منجر شده است تا این سیستم به سرعت به موضوعی تأثیرگذار بر دنیای اقتصاد و سیاست جهانی مبدل شود. تا این مقدار از کارکرد بیت‌کوین و شناسایی آن برای ما، شاید بتوان گفت که این رمزارز، نوعی پول نیست، بلکه تنها کالا یا امکان خدمتی است که به علت ارزش و قابلیت‌هایی که دارد، به عنوان وسیله پرداخت مورد استفاده قرار می‌گیرد.



رمزارزها به‌رغم فقدان پشتوانه، مورد اقبال عرف و عقلاست و از آنجاکه در فقه، نبود پشتوانه لزوماً حکم بطلان را در پی ندارد، می‌توان رمزارزها را به عنوان پول مجازی در دنیای امروز پذیرفت و مستند فقهی آن را پذیرش عرف قرار داد. همچنین، اگر آن را نه به‌عنوان پول، بلکه تنها به‌عنوان کالایی ارزشمند در تبادل مالی بپذیریم، باز هم فقدان پشتوانه تأثیری بر جواز این شیوه از تبادل نمی‌گذارد.

## ۲-۴. ماهیت عرفی رمزارزها

دیدگاه فقها درباره ماهیت پول به دو دسته کلی تقسیم می‌شود؛ برخی فقها در تحلیل ماهیت پول بر قدرت خرید آن تأکید دارند و برخی دیگر، ارزش اسمی پول را در ماهیت آن دخیل می‌دانند. حقیقت پول از نظر شهید صدر همان قدرت خرید آن است و اسکناس با پشتوانه قانونی از نگاه ایشان یک مال مثلی است، اما با این توضیح که هر آنچه را که قیمت آن باشد در فراغ ذمه و جبران خسارت آن لازم است، از نگاه ایشان قدرت خرید پول همان ارزش مبادله‌ای و مالیت آن است. شهید صدر می‌گوید: «پول‌های کاغذی اگرچه مال مثلی است، مثل آن، فقط همان کاغذ نیست، بلکه هر چیزی است که قیمت حقیقی آن را مجسم و بیان می‌کند» (صدر، ۱۳۸۲، ص. ۲۳۴).

با این تفسیر، چنانچه بانک‌ها هنگام بازپرداخت سپرده‌ها به مشتریان، ارزش حقیقی آنچه را که دریافت کرده‌اند، بپردازند، مرتکب ربا نشده‌اند. بنابراین، با توجه به مثلی دانستن پول‌های اعتباری می‌توان گفت کسی که مالک مقداری از بیت‌کوین است، تنها مالک چند عدد در بستر فضای مجازی نیست؛ همان‌طور که اگر فرد بگوید من مقداری بیت‌کوین دارم، منظورش این نیست که من مالک مقداری اعداد و معادلات در حافظه رایانه‌ام هستم، بلکه منظورش این است که مالک قدرت خرید این مقدار پول مجازی است. از آنجاکه رمزارزها مانند پول فیات دارای مالیت اعتباری‌اند، می‌توان درباره مثلی یا قیمی بودن رمزارزها، آن‌ها را با اسکناس یکسان فرض کرد.

اما در نظریه ارزش اسمی با توجه به مثلی دانستن پول، مقوم ماهیت پول همان ارزش اسمی آن است. از نظر اینان، ارزش اسمی پول مقوم ماهیت آن است. «بنا به برخی تحلیل‌ها به نظر می‌رسد دیدگاه مال اعتباری بودن پول، صحیح‌تر از دیگر نظریه‌هاست. بر این مبنا، پول تنها ارزش مبادله‌ای صرف دارد و مالیت پشتوانه و منشأ

آن اعتبار است» (آقانظری و غفوری، ۱۳۸۹، ص. ۱۳). بنا بر آنچه گفته شد، هر آن چیزی که درباره پول به لحاظ مثلی یا قیمی بودن آن مطرح می‌شود، درباره رمزارزها نیز شایان طرح و انطباق است.

## ۲-۵. ماهیت رمزارزها بر اساس مبانی فقهی-حقوقی

درباره ماهیت فقهی و حقوقی رمزارزها، اساساً دو دیدگاه کلی وجود دارد؛ برخی آن را پول و برخی دیگر آن را کالا می‌دانند.

### ۲-۵-۱. نظریه پول بودن رمزارزها

در این بخش، ابتدا به تبیین نظریه و سپس به دیدگاه و تحلیل موافقان و مخالفان نظریه پول بودن رمزارزها پرداخته می‌شود.

### ۲-۵-۱-۱. تبیین نظریه پول بودن رمزارزها

با استقرا و انتزاع مفهوم پول مجازی از مصادیق آن، حقیقت موضوع بیشتر روشن شود. حسب استقرا در مصادیق پول‌های مجازی، اوصاف ماهیت آن را چنین می‌توان برشمرد.

- در فضای مجازی می‌توان پول مجازی منتشر کرد تا کاربران بتوانند از آن استفاده کنند.
  - خاستگاه ایجاد پول در فضای مجازی اندازه تقاضا و مقدار فعالیت مجازی است که در آنجا رخ می‌دهد.
  - فضای مجازی تنها قلمرو فعالیت پول‌های مجازی است.
  - در فضای مجازی هویت و اسامی کاربران پول مجازی موضوعیت ندارد.
  - بر پول‌های مجازی هیچ تسلط قانونی و حاکمیتی وجود ندارد.
  - بین پول مجازی و پول حقیقی در برخی موارد ارتباط برقرار شده است.
- با توجه به اوصاف بالا، کاربران فضای مجازی می‌توانند برای فعالیت در این فضا پول مجازی خلق کنند. از آنجاکه پول چیزی است که دارای سه وظیفه واسطه مبادله، معیار سنجش و ذخیره ارزش است، هر چیزی که دارای این ویژگی‌ها باشد، پول است؛ خواه کالایی خاص مانند سکه طلا و نقره باشد و خواه به شکل پول اعتباری مانند

اسکناس یا سکه باشد یا به شکل ارقام الکترونیکی که در کارت‌های الکترونیکی از آن استفاده می‌شود، باشد. همچنین اوراقی مانند چک‌های مسافرتی که از نقدشوندگی بالایی برخوردارند نیز پول شمرده می‌شوند. در تعریف پول اعتباری امروزی باید ویژگی دیگری نیز به آن ملحق شود و آن اینکه، مالیت داشتن و پول بودن این نوع پول، کاملاً اعتباری است؛ زیرا غیر از واسطه‌گری درتبادل مالی هیچ منفعت دیگری ندارد. این ویژگی ناشی از اعتبار قوه حاکمیتی و پذیرش عموم مردم است. با توجه به مطالب بالا می‌توان پول اعتباری را این‌گونه تعریف کرد «مالی اعتباری که تنها ارزش مصرفی آن، ارزش مبادله‌ای است و دارای سه وظیفه واسطه مبادله بودن، معیار سنجش سرمایه بودن و ذخیره ارزش بودن است».

بنابراین، چنانچه سه ویژگی پول، در بیت‌کوین نیز مشاهده شود، آن هم مصداقی از پول خواهد بود. با توجه به تجارب میدانی و دیدگاه‌های کاربران فضای مجازی می‌توان ادعا کرد که رمزارزها و مشخصاً بیت‌کوین، همه ویژگی‌های سه‌گانه پول را داراست و با گذشت زمان، اقبال مردم به این نوع پول‌ها در حال افزایش است. از این‌رو با گذشت زمان و اقبال دوچندان مردم برای پرداخت بیت‌کوین به‌عنوان بهای کالاها یا خدمات و نیز استفاده از آن به‌عنوان ابزاری برای ادای دیون موجب شده است که حیثیت پول بودن بیت‌کوین تقویت شود و ویژگی‌های سه‌گانه پول به‌خصوص وسیله مبادله بودن آن در بیت‌کوین قابل مشاهده باشد.

از سوی دیگر، برخی کارشناسان نوسان شدید ارزش بیت‌کوین را به‌عنوان مدرکی بر پول نبودن آن مطرح می‌کنند؛ زیرا چیزی که در طول یک سال ارزش آن ۱۹ برابر بشود، نمی‌تواند وسیله‌ای برای سنجش ارزش سرمایه باشد.

در پاسخ می‌توان گفت که مسئله نوسان قیمت در پول‌های اعتباری سنتی هم مشاهده می‌شود. مثال آن پول آلمان است که ارزش آن در سال ۱۹۱۴، معادل ۴/۲ مارک به‌ازای هر دلار آمریکا بود و در سال ۱۹۲۳، به ۴/۲ هزار میلیارد مارک به‌ازای هر دلار آمریکا رسید. مثال‌های زیاد دیگری وجود دارد که در همه این موارد، کاهش شدید ارزش پول موجب از بین رفتن ماهیت آن پول نشده است. پس این نکته که «پول حقیقی یا مجازی به‌صورت طبیعی نوسان قیمت دارد، اما در مقایسه با دارایی و کالاها باید دارای ثبات قیمت باشد تا بتواند آن کالاها و دارایی‌ها را ارزش‌گذاری کند»،

تام و تمام نیست.

در این زمینه، بسیاری از کشورها از جمله آمریکا، بیت کوین را به عنوان پول واقعی قلمداد نمی کنند، بلکه به مثابه یک پول مجازی تلقی می کنند. همچنین، مرجع قانون گذاری آلمان در سال ۲۰۱۱، در گزارشی درباره بیت کوین اظهار کرد که با توجه به قانون نظارت بر خدمات پرداخت آلمان، بیت کوین را پول الکترونیکی نمی داند. معاونت پارلمانی وزارت دارایی آلمان اعلام کرده است «بیت کوین نه پول الکترونیکی است و نه واحد پرداخت قانونی و در نتیجه، به عنوان ارز یا انواع ارز رده بندی نمی شود. بیت کوین تنها تحت مفهوم واحد پرداخت و واحد ارزش قلمداد می شود و به این عنوان قابل مقایسه با ارز است، اما غیرارز است؛ زیرا از لحاظ قانونی وسیله پرداخت به شمار نمی آید»<sup>۹</sup>.

## ۲-۱-۵-۲. دلایل موافقان نظریه پول بودن رمزارزها

در بیان کارشناسان اقتصاد در باب ماهیت پول دو نظریه کلی وجود دارد؛ برخی از آنان پول را کالا و شکل ظاهری آن را فلزات گران بها یا اوراقی با پشتوانه می پندارند و برخی آن را بدون پشتوانه و بدون ارتباط با هیچ کالایی و تنها برای تسویه بدهی ها در نظر می گیرند و بر همین اساس، انتشار آن را تنها در صلاحیت حکومت ها می دانند. گروهی از طرف داران نظریه قدرت خرید با اشاره به ارزش مبادله ای عام پول به عنوان رکن اصلی آن، میان اسکناس و پول تحریری تفاوت قائل شدند. شاید مهم ترین چالش در نظریه قدرت خرید، خلط میان مفهوم مال و مالیت و همچنین، عدم التزام به آثار مثلی دانستن پول است. از سوی دیگر، مدافعان نظریه ارزش اسمی، ارزش اسمی پول را مقوم ماهیت آن در نظر می گیرند. هر دو نظریه با نقدهایی مواجه است. دیدگاه اعتباری بودن پول، برداشت دقیق تری از آن ارائه می کند و از ضعف های دیگر دیدگاه مبراست. پول تنها کالایی است که تنها ارزش مبادله ای صرف دارد و مالیت داشتن آن بر مبنای قرارداد و اعتبار است. این تحلیل از ماهیت پول قابل گسترش در همه پول ها و در همه دوره های مختلف است. بر اساس این دیدگاه، پول از هر نوع و حیثی که باشد، در بردارنده مراتبی از اعتبار است. اعتبار در مرحله تعیین واحد سنجش ارزش، با قانون وضع می شود. همچنین، اعتبار

واسطه مبادله بودن پول نیز به وسیله معتبر قرارداد می‌شود و این کارکرد پول به حکم معتبر برای پول جعل می‌شود. در پول‌های سنتی، در واقع، یک مال با ارزش مشخص توسط قانون‌گذار اعتبار می‌شود که به‌عنوان واسطه مبادله به کار می‌رود و سپس با انتشار گسترده و با گردش در بازار و با توجه به تولید ملی و قدرت اقتصادی، ارزش ثانویه و متغیر آن مشخص می‌شود.

با این دیدگاه، رمزارزها نیز مانند پول‌های سنتی بر اساس اعتبار مخترعان آن در سازوکار تولید و کنترل مقبولیت این پول‌ها تنها در میان کاربران و استفاده‌کنندگان آن به‌عنوان طرف دیگر این قرارداد، واجد مشروعیت‌اند. با این تفاوت که معتبرین رمزارزها حکومت‌ها یا نهادهای رسمی حاکمیتی نیستند و عرصه ظهور آن‌ها تنها در دنیای مجازی است. بنابراین، پشتوانه ارزش رمزارزها نوعاً فعالیت در دنیای مجازی است که این فعالیت بعد جدیدی از فعالیت در دنیای جدید به شمار می‌آید. با این بیان، رمزارزها ابعاد جدیدی از برنامه‌پذیری را به نمایش می‌گذارند. لازمه این سخن آن است که در آینده معاملات رمزارزها را می‌توان به قراردادهای برنامه‌های هوشمند متصل کرد که تنها در صورت تحقق شرایط ویژه، قابلیت اجرا را داشته باشند. از سوی دیگر، با کاهش هزینه‌های معامله و همچنین سرعت بخشیدن به معاملات و جلوگیری از تأثیر دیگران بر معاملات، ابعاد جدیدی از کارکرد پول را به نمایش می‌گذارند.

«در یک تقسیم می‌توان کالاها را به سه گروه قسمت کرد.

گروه اول، کالاهایی که تنها ارزش مصرفی دارند و هدف از تبادل آن‌ها، صرفاً استفاده و مصرف است.

گروه دوم، کالاهایی که هم ارزش مصرفی و هم ارزش مبادله‌ای دارند. این گروه از کالاها در گذشته و در دوران معاملات کالابه‌کالا نمود بیشتری داشتند و حتی مسکوکات طلا و نقره از این دسته هستند. این گروه از کالاها، هم مقصود بالذات بوده‌اند و هم مقصود بالعرض.

گروه سوم، کالاهایی هستند که صرفاً ارزش مبادله‌ای دارند و تنها مصداق آن، پول اعتباری است. در واقع، پول فعلی، صرفاً به جهت وسیله مبادله بودن مورد تقاضاست و به‌هیچ‌وجه مقصود بالذات نیست» (ساموئلسون، ۱۳۴۸، ص. ۹۰).

با تطبیق رمزارزها با گروه سوم می‌توان به این نکته رسید که همان‌گونه که بسیاری

از کالاها در گذشته به عنوان پول مورد استفاده قرار می گرفتند، رمزارزها نیز می توانند به عنوان ابزار واسطه مورد معامله قرار گیرند. از آنجاکه لازم نیست پول به طور فیزیکی دارای کارکرد باشد و آنچه در پول بودن شیء دخیل است، ندرت و کمیابی آن است، می توان پول بودن رمزارزی مثل بیت کوین را مدنظر قرار داد.

بررسی های میدانی موجود از وضعیت رمزارزها و کارکرد آنها و تلقی ای که در میان استفاده کنندگان نسبت به آن مشاهده می شود، نظریه پول بودن آن را تقویت می کند و شاید تلقی شود که بیت کوین، گام بعدی در تکامل پول است.

### ۲-۵-۱-۳. دلایل مخالفان نظریه پول بودن رمزارزها

در گذر زمان، بشر مطلوب ترین ویژگی هایی را که پول باید داشته باشد، شناسایی کرده است. آنها برای پول خصوصیتی در نظر گرفته اند که شامل موارد زیر است.

۱. قابل قسمت باشد؛ یعنی برای موارد خاص به موارد کوچک تر تقسیم شود.
۲. غیر قابل مصرف باشد؛ یعنی برای اهداف دیگری غیر از مبادله مصرف نشود.
۳. قابل حمل باشد و به راحتی بتوان آن را جابه جا کرد.
۴. بادوام باشد و با گذشت زمان فرسوده نشود یا کاهش نیابد.
۵. امنیت داشته باشد و قابل جعل نباشد.
۶. قابلیت انتقال داشته باشد و به راحتی بتوان آن را مبادله کرد.
۷. کمیاب باشد؛ به گونه ای که نمی تواند بی پایان باشد.
۸. مثلی باشد.
۹. مورد پذیرش مردم باشد.

عمده فرق میان بیت کوین و پول های سنتی در این است که هیچ نهاد یا فردی آن را کنترل نمی کند و این موجب می شود که بیت کوین سیستم پولی مستقل و نظیر به نظیر باشد و مستقل از خواسته ها یا نظارت و کنترل حکومت ها یا افراد مورد استفاده قرار گیرد و تنها وابسته به ظرفیت محاسباتی کاربران در شبکه است که با یکدیگر همسان اند و هیچ کاربری بر دیگری برتری ندارد.

برخلاف بیت کوین، ارزهای سنتی به نهادهای متمرکزی مانند بانک های مرکزی، دولت ها یا پردازنده های پرداخت مانند مستر کارت<sup>۶</sup> وابسته اند. هریک از این سازمان ها

امکان تأیید تراکنش‌ها، ارسال پول به افراد یا سازمان‌های دیگر را دارند و نیز می‌توانند نسبت به صحت تراکنش‌ها اظهارنظر کنند. این نظارت همچنین، شامل فعالیت‌هایی است که فرد با پول خود انجام می‌دهد. برخلاف ارزهای سنتی، بیت کوین مجموعه مستقلی است. به این معنی که ارزش آن به هیچ جایگاه سیاسی یا قدرت اقتصادی وابسته نیست و می‌تواند مستقل از سیستم سنتی وجود داشته باشد.

با این اوصاف و با نبود سیستم کنترل و نظارت بر رمزارزها، تقریباً بیشتر انتظاراتی که از پول وجود دارد، تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و از آنجاکه پیش‌تر هرگز پولی مانند بیت‌کوین وجود نداشته است، می‌توان مفهوم آن را به چالش کشید و در مقایسه با پول‌های سنتی، بیت‌کوین را فاقد شرایط و ضوابط لازم برای پول بودن دانست.

## ۲-۵-۲. نظریه کالا بودن رمزارزها

بنا بر این دیدگاه، رمزارزها پول نیستند، بلکه کالای قابل عرضه در بورس هستند، اما به دلیل قرار گرفتن در فضای اینترنتی، لازم است تحت کنترل و نظارت سیستم‌های پولی حکومت‌ها قرار گیرند. رمزارزها در برخی از کشورها مانند چین، در حکم کالا است و در برخی کشورهای دیگر مانند آمریکا و آلمان، هم کالا و هم دارایی شمرده و وارد بورس کالا می‌شود.

در حال حاضر، بیت‌کوین در بسیاری از بازارهای جهانی معامله می‌شود و به دلیل وجود نوسانات زیاد در آن، کاملاً شناخته شده است. بازار بیت‌کوین برخلاف بازارهای سنتی، هیچ‌گاه بسته نیست و معامله‌گران می‌توانند بیت‌کوین را در هر لحظه و هر زمان معامله کنند. بنابراین، نوسانات قیمت بیت‌کوین و همچنین، خصیصه باز بودن همیشگی آن، بیت‌کوین را برای سرمایه‌گذاران مشتاق به سود کوتاه‌مدت، بسیار جذاب کرده است و برای همین، هر روز میلیاردها دلار بیت‌کوین در صرافی‌های دنیا معامله می‌شود.

«با توجه به اینکه بیشتر بازارهای معاملات بیت‌کوین قانون‌گذاری نشده‌اند و بر آن‌ها نظارتی وجود ندارد، سرمایه‌گذاران باید کاملاً مراقب باشند. اگر سرمایه‌گذار بر روندهای صعودی و نزولی آن تمرکز کند، می‌تواند معامله بیت‌کوین مانند سهام و کالاهای، برای او سودآور باشد» (رجعتی، ۱۳۹۶، ص. ۴۸).

ثمره تفکیک پول یا کالا دانستن رمزارزها این است که امکان تطبیق آن با عقود

مانند بیع یا معاوضه را می‌توان یافت؛ همان‌گونه که بیع تملیک عین به عوض است و پول مصداقی از عوض است، اگر بیت کوین، کالا باشد امکان تطبیق بیع بر آن محل اشکال است و به‌نوعی می‌تواند در ذیل عقد معاوضه قرار گیرد.

در تأیید این دیدگاه می‌توان اشاره کرد که بانک مرکزی چین نیز بر کالا بودن بیت‌کوین تأکید دارد و آن را کالای مجازی خاصی قلمداد می‌کند که جایگاه حقوقی پول را ندارد و نباید به‌عنوان ارز در بازار دیده شود. همچنین، کشورهایی مانند فنلاند و استرالیا رمزارزها را کالا می‌دانند.

بر اساس دیدگاه این افراد، آنچه بیشتر متناسب با ماهیت بیت‌کوین است، این است که آن را نوعی دارایی دیجیتال بدانیم. به بیان دیگر، رمزارزها نوعی دارایی غیرفیزیکی‌اند که نزد جامعه مالیت و ارزش یافته‌اند و افراد حاضرند برای به دست آوردن آن‌ها هزینه کنند؛ البته ممکن است از آن‌ها در مواردی هم به‌عنوان مبنای مبادله استفاده کنند که این نوع استفاده منحصر به رمزارزها نیست و درباره هر دارایی باارزش دیگری تحقق می‌یابد.

### ۳. ماهیت فقهی معاملات مبتنی بر رمزارزها

همان‌گونه که گفته شد، رمزارزها به‌عنوان ارزهای مجازی رمزنگاری شده از طریق تارنماهای مختلف و در بستر معاملات الکترونیکی در همه دنیا مورد معامله قرار می‌گیرد. از این‌رو بررسی ماهیت معاملاتی که روی آن‌ها صورت می‌گیرد، ضروری است.

#### ۳-۱. بررسی بیع بودن معاملات رمزارزها

در کتاب‌های فقهی برای عقد بیع تعاریف متعددی گفته شده است. شیخ انصاری در کتاب *المکاسب* بعد از بیان تعریف لغوی و اصطلاحی بیع، بیان می‌کند «فالاولی تعریفه بانه انشاء تملیک عین بمال» (انصاری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص. ۲۱۴). آنچه از این تعریف و توضیحات پیش از آن به دست می‌آید، این است که در عقد بیع، مثنی باید عین باشد، اما مثنی معامله می‌تواند هر مالی اعم از عین، منفعت یا حق باشد.

در *مصباح الفقاهه* آمده است «ظاهراً شکی نیست در اینکه شرط شده است مبیع باید



از اعیان باشد؛ زیرا بدیهی است که نزد عرف، مفهوم بیع به تملیک اعیان اختصاص یافته است» (خویی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص. ۲۸). صاحب جواهر نیز در عقد بیع می‌نویسد «ظاهره كاللمعه ان البیع نقل الملك بعوض معلوم» (نجفی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص. ۱۰۵).

بنابراین، مشهور فقها قائل‌اند که در عقد بیع باید مبیع عین باشد و مستفاد از کلمات آنان، این است که نکته اصلی در لزوم عین بودن مثنی، ایجاد تمایز بین عقد بیع و دیگر عقود از جمله اجاره است.

قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران در فصل ۱ از باب ۳، به بیان تعریف و شرایط عقد بیع می‌پردازد. در این میان، مواد ۳۳۸ و ۳۴۸ ویژگی‌هایی را برای مبیع ضروری دانسته است که در آغاز می‌تواند قابلیت مبیع واقع شدن اموال فکری را با چالش مواجه سازد. یکی از این ویژگی‌ها، لزوم مالیت داشتن مبیع و دیگری عین معین بودن آن است. بدیهی است که نخستین شرط برای مبیع، مالیت داشتن یا ارزش اقتصادی داشتن آن است که ماده ۳۴۸ قانون مدنی در این باره مقرر می‌دارد: «بیع چیزی که مالیت یا منفعت عقلایی ندارد... باطل است».

همچنین، در تعریف عقد بیع، ماده ۳۳۸ قانون مدنی مقرر داشته است «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم». بنابراین، بر اساس این ماده، یکی از شرایط مبیع، عین بودن آن است. به نظر می‌رسد مفاد این ماده قانونی و نیز نظرهای برخی فقها و حقوق‌دانان، این موضوع را در ذهن القا می‌کند که مبیع باید از اعیان موجود و متجسم در خارج باشد و بیع اموال فکری محل اشکال است.

با بررسی بیشتر در کلام فقیهان، روشن می‌شود که در میان فقها، در مسئله لزوم عین بودن مبیع، اختلاف نظر وجود دارد؛ زیرا برخی از فقها، بیع را انتقال ملک تعریف کرده‌اند و برخی دیگر در تعریف عقد بیع، لفظ عین را به کار برده‌اند. این اختلاف نظر در آرای حقوق‌دانان نیز دیده می‌شود.

کاتوزیان می‌نویسد: «در عرف محاوره، انتقال حق در مقابل عوض را فروش می‌گویند. این نام‌گذاری تمایل عرف را به گسترده شدن دامنه بیع می‌رساند و از این تمایل باید سود جست و رویه قضایی را به این سوی کشاند که انتقال مالکیت حق و اموال غیرمادی نیز در تعریف بیع بگنجد و قید عین تنها برای خروج اجاره از تعریف به کار

رود» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص. ۴۲)

ابتدا این موضوع باید بررسی شود که آیا فروش رمزارزها مشمول مقررات بیع می‌شود؟ طبق تعریف مشهور، بیع تملیک عین است به عوض معلوم. از آنجاکه رمزارزها دارای فکری شمرده می‌شوند و عینیت خارجی ندارند، نمی‌توانند مشمول تعریف بیع قرار گیرند. از سوی دیگر، گفتنی است که پول‌های رمزنگاری‌شده با توجه به پذیرش مالیت داشتن برای آن، می‌تواند به‌عنوان ثمن معامله قرار گیرد.

برای مثال، اگر شخصی کالایی را به ۱۰۰ بیت‌کوین بفروشد، آیا این معامله را می‌توان مشمول مقررات بیع دانست؟ چنانچه بتوان معاملات بیت‌کوین را مشمول بیع دانست، با توجه به اینکه اغلب معاملات بیت‌کوین به‌صورت بین‌المللی صورت می‌گیرد، باید کنوانسیون بیع بین‌المللی درباره آن مورد بررسی قرار گیرد.

رمزارزها قابلیت تبدیل به ارز را دارند و با این فرض که قابلیت قیمت‌گذاری را دارند، طبق بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مقرر می‌دارد «برای اینکه ایجاب مشخص شود، باید قیمت مبیع نیز معین شود و ضابطه‌ای برای تعیین آن مورد نظر قرار گیرد». در اینجا کنوانسیون به مسئله تعیین قیمت مبیع یا ضابطه‌ای برای تعیین آن در عقد بیع بین‌المللی اشاره کرده است. تعیین قیمت مبیع به این معناست که ثمن معامله باید مشخص باشد و در زمان عقد قرارداد باید در توافق طرفین معین شود که قیمت مبیع بر اساس آن تعیین می‌شود.

بنا بر آنچه گفته شد، با معیارهای فقهی و حقوقی بیع دانستن معاملات انجام‌شده بر رمزارزها از مشکل جدی برخوردار نیست؛ زیرا اگر عین دانستن مبیع تنها برای ایجاد تمایز بین عقد بیع و اجاره باشد، پس می‌توان دارای فکری مانند رمزارز را به‌عنوان مبیع در نظر گرفت و چنانچه بر عین بودن مبیع اصرار و تأکید شود، رمزارزها با فرض مالیت داشتن، می‌توانند به‌عنوان ثمن و عوض در عقد بیع قرار گیرند.

### ۲-۳. بررسی صلح بودن معاملات رمزارزها

صلح از نظر لغوی به معنای آشتی، سازش یا توافق کردن است. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، عقد صلح را به رسمیت شناخته و قواعد و احکام مرتبط با آن را در چند ماده مورد اشاره قرار داده است. بررسی نظام‌های حقوقی نشان می‌دهد که در

آن‌ها، عقد صلح برای پایان بخشیدن به منازعه و دعوا منعقد می‌شود. همچنین، در منابع فقهی یعنی آیات و روایات، صلح به‌عنوان عقدی برای اختتام دعوا مورد اشاره قرار گرفته است. بنابراین، معنای اصطلاحی صلح نیز متأثر از معنای لغوی آن است. باوجوداین، در قانون مدنی کارکردی وسیع‌تر برای عقد صلح در نظر گرفته شده و انعقاد آن را منحصر به موارد دعوا و نزاع ندانسته است.

در ماده ۷۶۸ قانون مدنی بیان شده است که کسانی که توانایی اداره اموال خود را بر اساس نظام اقتصادی روز ندارند یا کسانی که به دنبال درآمد مطمئن و مناسب هستند یا کسانی که به دنبال آسودگی خاطر در زمان کهولت سن یا تأمین هزینه زندگی افراد تحت تکفل خود بعد از مرگ هستند، می‌توانند تمام یا بخشی از اموال خود را در اختیار مؤسسه یا شخص مورد اطمینان قرار دهند تا آن مؤسسه یا شخص، مبلغ معینی را در دوره‌های مشخص به او یا هر شخصی که او معرفی می‌کند، پرداخت کند.

عقد صلح از جمله عقود است که با دامنه وسعت خود، نیازهای جامعه را در بخش حقوق خصوصی برطرف کرده است. ماده ۷۵۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «صلح در مقام معاملات هر چند نتیجه معامله را که به‌جای آن واقع شده است، می‌دهد، لیکن شرایط و احکام خاصه آن معامله را ندارد». بنابراین، گرچه عقد صلح، عقدی مستقل و اصیل است، درعین حال می‌تواند نتیجه بیشتر عقود معین را در پی داشته باشد.

صلح و تسالم از گستره زیادی برخوردار است و بر هر موضوعی ممکن است؛ چه آنکه در موضوع تملک عین باشد یا منفعت، در مورد اسقاط دین باشد یا حق یا غیر این دو. همچنین، صلح ممکن است درباره رفع اختلافات موجود باشد یا جلوگیری از اختلافات احتمالی و نیز ممکن است که مصالحه درباره معامله صورت گیرد یا غیر آن. بنابراین، عقد صلح از جمله عقود است که ممکن است در مقام بیع منعقد شود و صلح حقوق مربوط به بیت‌کوبین از دایره این عقد خارج نخواهد بود. «مورد صلح مختص اعیان نیست و شامل منفعت، حق و دین نیز می‌گردد. همچنین، مجهول بودن مورد صلح نیز اشکالی در این عقد ایجاد نمی‌کند» (نجفی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص. ۳۷۴)

با این اوصاف، عقد صلح از گستره و شمول خاصی برخوردار است و با توجه به شرایط و محدودیت‌های اندکی که دارد، می‌تواند در بسیاری از موارد به کار گرفته شود و کارگشا باشد. این بدین معنا نیست که بتوان با عقد صلح، حلالی را حرام یا حرامی را

حلال کرد. صاحب جواهر می‌گوید «با عقد صلح نمی‌شود انسان حری را به بردگی گرفت یا بر حلیت بضع محرّمات یا شرب خمر یا سایر محرّمات صلح کرد» (نجفی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص. ۳۷۸).

در بسیاری از مواقع مشاهده می‌شود که عقد صلح اثر و فایده دیگر عقود مانند عقد بیع را در پی دارد، اما «فقها تأکید دارند که عقد صلح با عنوان خاص خود، دارای شرایط و احکام خاص می‌باشد و فرع سایر عقود و ملحق به آنان نیست و از همین رو، شرایط و ضوابط سایر عقود بر عقد صلح تحمیل نمی‌گردد» (نجفی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص. ۳۷۸).

در باره رمزازها نیز با توجه به شرایط پیچیده و نوپا بودن این ارزها، انطباق عقد صلح بر معاملات رمزازی کاملاً ممکن و کارساز است؛ زیرا با توجه به عدم شرطیت وجود نزاع و عدم لزوم عینیت مورد مصالحه و حتی جواز مجهول بودن مورد مصالحه در عقد صلح، به سادگی می‌توان به گونه مشروعی با عقد صلح رمزازها را مبادله کرد.

### ۳-۳. بررسی عقد نامعین بودن معاملات رمزازها

قرارداد نامعین به قراردادی گفته می‌شود که در قانون نام مشخص و معینی برای آن در نظر نگرفته شده است و قانون مسئولیتی برای تنظیمات قانونی آن ندارد. در این راستا، ماده ۱۰ قانون مدنی جمهوری اسلامی مقرر می‌دارد «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است». بر اساس اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی انسان‌ها، اراده اشخاص، هم در انعقاد یک عقد و آثار مترتب بر آن و هم در تمام روابط حقوقی حاکمیت دارد. این اصل که مستخرج از ماده ۱۰ قانون مدنی است، بیان می‌کند که قراردادهای نامعین که ناشی از توافق دو اراده مستقل است، صحیح و نافذ است.

هرگونه قرارداد که در قانون شکل و عنوان خاصی ندارد، عقد نامعین اطلاق می‌شود. از آنجاکه همه عقود تابع یک سری شرایط عمومی هستند، عقود نامعین نیز برای اینکه صحیح و نافذ باشند، باید تابع این شرایط عمومی باشند و آن خصوصیات را دارا باشند. وجود تنوع در قراردادها بدین علت است که اشخاص دارای آزادی اراده هستند و لازم نیست برای انعقاد عقد، به دنبال عنوان خاصی در قانون باشند، بلکه صرف اینکه قراردادهای نامعین شرایط عمومی را داشته باشد، می‌تواند آن را منعقد کنند.

در فقه نیز بر عمل و پایبندی به هر تعهد و عقدی تأکید شده است و منحصر به عقود معین نیست و دلیل آن را عمومیت امر به وفای عهد در هر عقدی می‌دانند. شیخ انصاری می‌گوید «آیه اوفوا بالعقود، دلالت بر وجوب وفا بر هر عقدی می‌کند و مراد از عقد، مطلق عهد است» (انصاری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص. ۲۱۴). «در کلمات بعضی از فقها آمده است که مراد از اوفوا بالعقود، وفای به جمیع عهدها، عقدها و التزامات است که شامل عهد خداوند با بندگان در عالم ذر و عهد بندگان با خداوند و عهد بندگان با یکدیگر می‌شود» (خویی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص. ۲۸). «در مجموع، این آیه ناظر به هر عقدی است که با شرع و اخلاق مخالف نباشد و امر زشتی را مباح نگرداند. بنابراین، به عقود معین اختصاص نخواهد داشت» (ذاکر صالحی، ۱۳۸۶، ص. ۷۵).

در خصوص به دست آوردن بیت‌کوین راه‌های زیادی وجود دارد مانند ۱. راه‌اندازی مزرعه استخراج بیت‌کوین، ۲. خرید و فروش مستقیم بیت‌کوین، ۳. برنامه‌های همکاری در فروش یا همان گرفتن کمسیون، ۴. خرید یا فروش محصولات یا خدمات و ۵. خرید و فروش بیت‌کوین با صرافی‌ها

در همه موارد بالا، انواع مختلف شیوه‌های معامله و عناوین عقدی را می‌توان تصور کرد. قانون مدنی در ماده ۱۹۰، شرایط صحت معاملات را قصد و رضای طرفین، اهلیت طرفین، موضوع معین و مشروعیت جهت معامله تعیین کرده است. همچنین، در ماده ۲۱۵، شرط مالیت داشتن مورد معامله و منفعت عقلایی و مشروع داشتن را قید صحت معامله دانسته است. بنابراین، چنانچه در معامله‌ای جمیع این شرایط عامه وجود داشته باشد، می‌توان صحت آن را تأیید کرد و آن قرارداد را در ذیل عقد نامعین گنجانند.

با توجه به جمیع بحث‌های پیشین که برای رمزارزها و بیت‌کوین و منفعت عقلایی داشتن آن ذکر شد، می‌توان حکم جواز استفاده از رمزارزها را ممکن تلقی و آن را در قالب عقد نامعین تصویر کرد.

### بحث و نتیجه‌گیری

آنچه به لحاظ فقهی و حقوقی اساس و مبنای تعریف پول است، وظایف و کارکردهای آن به‌عنوان واحد محاسبه، وسیله پرداخت و واسطه مبادلات است، اما از منظر و دیدگاه اقتصادی، اختلاف‌نظری میان صاحب‌نظران وجود دارد که برخی پول را کالا و به‌نوعی

به شکل فلزات با ارزش یا اوراقی با این پشتوانه می‌دانند و برخی نیز آن را وسیله‌ای برای تسویه بدهی‌ها تلقی می‌کنند که نشر آن را در صلاحیت قوای حاکمه می‌دانند. با این اوصاف، چندان تفاوت و تمایزی میان تعاریف اقتصادی و حقوقی پول وجود ندارد. درباره رمزارزها با توجه به فضای خلق و گردش آن در دنیای مجازی، پشتوانه ارزش، واحد ارزش و کارکردها و دیگر آثار، تا زمانی که اعتبار پول مجازی توسط کاربران آن مورد قبول باشد، وجود رمزارزها و اعتبار آن‌ها جریان خواهد داشت. از این رو اگر مبنای تولید و گردش این نوع پول مشروع باشد، شارع در قبال این اعتبارات عرفی مانعی ایجاد نمی‌کند. بنابراین، رمزارزها هم از دیدگاه اقتصادی و هم از منظر نگرش فقهی و حقوقی، قابلیت برخورداری از وظایف پول را دارند، اما به نظر می‌رسد کارکردهای پول به‌خصوص وسیله سنجش ارزش بودن را ندارد. از این رو به نظر نگارنده می‌توان آن را نوعی کالای دیجیتال تلقی کرد که با پول‌های عرفی قابلیت تقویم دارد. پس از بررسی اینکه معامله با رمزارزها در قالب کدام یک از عقود قرار می‌گیرد، این نتیجه حاصل شد که در هر نوع معامله، رمزارزها پس از مقبول واقع شدن در هر نظام حقوقی، چالشی نخواهد داشت؛ زیرا همان‌طور که در معاملات عادی، طرفین با اراده خود توانایی اعمال هر موضوعی را که خلاف قانون و اخلاق حسنه نباشد، در قرارداد دارند، در این باره نیز پس از مقبولیت و مشروعیت رمزارزها در دایره سرزمینی آن‌ها، توانایی استفاده و اعمال آن را دارند.

## یادداشت‌ها

1. Cryptocurrency
۲. این مقاله را رضا میرزاخانی (دانش‌آموخته دکتری فقه‌الاقتصاد دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام) و حسنعلی سعدی (دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام) گرد آورده‌اند.
3. mihanarz.wikibix.ir
4. exchaino.com
5. virgool.io
۶. مسترکارت (Master Card)؛ نوعی کارت بین‌المللی است که با داشتن آن می‌توانید با صرف هزینه اندک، محصولات مورد نظر خود را خریداری کنید.
۷. مانده ۱/.

## کتابنامه

- قرآن کریم.
- آقانظری، حسن؛ و غفوری، حسین (۱۳۸۹). قدرت خرید مقوم مثلث پول‌های اعتباری. *جستارهای اقتصادی*. بی‌جا، بی‌نا.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۷۲). *کتاب المکاسب*. قم: اسماعیلیان.
- خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۱). *مصباح‌الفقاهه (تقریرات محمدعلی توحیدی)*. قم: انصاریان.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۶). بررسی مشروعیت قراردادهای نامعین در حقوق اسلامی. *فصلنامه مطالعات اسلامی*، شماره ۷۵.
- رجعتی، احمد (۱۳۹۶). *بیت‌کوبین به‌عنوان یک کالا برای معامله‌گران مناسب است نه سرمایه‌گذاران*. بی‌جا، بی‌نا.
- ساموئلسون، پل (۱۳۴۸). *اقتصاد* (حسین پیرنیا، مترجم). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سلطانی، محمد؛ و اخوان هزاوه، حامده (۱۳۹۱). *ماهیت و قواعد حقوقی توثیق سهام، بورس اوراق بهادار*. بی‌جا، بی‌نا.
- صدر، محمدباقر (۱۳۸۲). *الاسلام یقودالحیاه*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- عبدی‌پور، ابراهیم (بهار و تابستان ۱۳۸۹). تحلیل حقوقی ماهیت پول الکترونیکی. *حقوق خصوصی*، سال ۷، شماره ۱۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *اموال و مالکیت*. چاپ ۶، تهران: نشر میزان.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳). *قواعد فقه (بخش مدنی)*. تهران: نشر علوم اسلامی.
- النجفی، شیخ محمدحسن (۱۴۱۲ق). *جواهرالکلام*. بیروت: مؤسسه المرتضی‌العالمیه.
- نوری، مهدی و نواب‌پور، علیرضا (زمستان ۱۳۹۶). طراحی چهارچوب مفهومی سیاست‌گذاری ارزشهای مجازی در اقتصاد ایران. *فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۳، شماره ۴.